

به نام خدا

# تحلیل شاخص های آزادی اقتصادی

زیر نظر استاد

دکتر محمد علی مرادی

نویسنده

حمید عبدی

آزادی اقتصادی از معتبرترین شاخصهایی است که هر ساله برای مقایسه وضعیت اقتصادی و فضای کسب و کار کشورها منتشر می‌شود. هدف از این پژوهش شناسایی و تحلیل شاخصهای آزادی اقتصادی و احصای شاخص‌های موثر بر فضای کسب و کار است. در ابتدا مفاهیم، تعاریف و مبانی نظری مربوط به آزادی اقتصادی ارائه می‌شوند. سپس تصویری از وضعیت کشور ایران از نظر آزادی اقتصادی ارائه می‌گردد. در ادامه تصویر ارائه شده از کشور ایران تحلیل شده و با دو کشور منتخب مقایسه می‌گردد و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود. دو کشور منتخب در این بررسی اسپانیا و کره جنوبی هستند و اطلاعات مورد استفاده تماماً از گزارشات آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج استخراج شده‌اند.

## مقدمه

آزادی، یکی از بزرگترین نعمات خداوند برای انسان است و بدون شک پیشرفت و تعالی بشر با مقوله آزادی ارتباط مستقیم دارد و عموماً استعدادهای بالقوه انسانی در قید و بند اسارت شکوفا نخواهد شد. انسان در ابتدای خلقت کاملاً آزاد آفریده شد، اما شکل‌گیری و تکامل زندگی اجتماعی انسان طی قرون و اعصار باعث پیدایش قید و بندهایی برای زندگی بشری شد و آزادی او را محدود ساخت. این محدودیت‌ها در شکل‌هایی چون هنجارها، قوانین و مقررات، و اخلاقیات، لازمه بقا و تکامل اجتماعات بشری و تعالی انسان در متن این اجتماعات هستند. به تدریج رشد ناموزون و افزایش بیش از حد و زائد این قید و بندها و بعضاً ناسازگاری و ناهماهنگی آنها با یکدیگر به مثابه وزنه‌ای بر پای بشر و اجتماعات بشری، مانع پیشرفت و کامیابی او گردید. لذا بار دیگر توجه انسانها به ارزش آزادی و ارتباط مستقیم آن با پیشرفت و تعالی معطوف گشت و سعی کردند با حذف محدودیتهای زائد، ضمن حفظ اصول و انضباط لازمه زندگی اجتماعی، با ایجاد شرایط بهره‌مندی عادلانه انسانها از موهبت آزادی، زمینه را برای شکوفایی استعدادهای بالقوه انسانی و پیشرفت جوامع فراهم سازند. در چنین محیطی است که انسانها خواهند توانست به تناسب سعی و تلاش خویش و ظرفیتهایی که در وجودشان نهفته است، به خودشکوفایی برسند.

## فصل اول

### تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری

#### آزادی اقتصادی

آزادی خود دارای ابعاد گوناگونی است که از آن جمله می توان به آزادی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فکری و عقیدتی، و ... اشاره کرد. البته یکی از ابعاد مهم آزادی بعد اقتصادی آن است. آزادی اقتصادی متاثر از عوامل متعدد اقتصادی و غیر اقتصادی است که کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته در سیاستگذاری های خود آنها را مدنظر قرار می دهند. اما چگونگی پرداختن به این موضوع متناسب با حدود توسعه یافتگی کشورها متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته مباحث مرتبط با آزادی اقتصادی پیرامون ارائه تعاریف جدید و مترقی از حق حاکمیت، انضباط مالی، هزینه های زیست محیطی و ثبات اقتصادی است، در حالیکه در کشورهای در حال توسعه مباحثی چون توزیع درآمد، توسعه یافتگی مناطق مختلف، قوانین و نهادهای جاری، نوسانات شدید دوره ای و سیاست های اتخاذی دولت محور موضوع آزادی اقتصادی را تشکیل می دهد. اما به هر حال آزادی اقتصادی همواره یکی از دغدغه ها و چالشهای فراروی مسیر توسعه، به ویژه توسعه اقتصادی بوده است و در دهه های اخیر ذهن بسیاری از اندیشمندان و اقتصاددانان را به خود معطوف داشته است. به همین دلیل دانشمندان بسیاری در نهادهای معتبر بین المللی کوشیده اند تا وضعیت کشورهای مختلف دنیا را از این منظر مورد مقایسه قرار دهند تا با ترسیم تصویری از وضعیت جهانی آزادی اقتصادی، ضمن مطالعه و شناسایی هرچه بیشتر مولفه های آزادی اقتصادی و روابط موجود میان آنها و نیز عوامل تاثیر گذار بر این مولفه ها، تجربیات کشورهای گوناگون را در این زمینه بررسی کنند و در نهایت راه را برای تحقق هر چه بیشتر این موهبت، به ویژه در کشورهایی که در زمینه توسعه و آزادی اقتصادی با مشکلات بیشتری مواجه بوده اند، روشن و هموار سازند.

آزادی اقتصادی به چه معناست؟

میلتون فریدمن می گوید: "اساسا تنها دو راه برای هماهنگ سازی فعالیت‌های اقتصادی توده های ملت وجود دارد. یک راه استفاده از هدایت متمرکز است که شامل بکارگیری اجبار و قوه قهریه است، روشی که در ارتش و برخی دیکتاتوری های نوین استفاده می شود. راه دیگر همکاری داوطلبانه افراد است، روشی که در بازار استفاده می شود."

موضوع اصلی بحث در زمینه آزادی اقتصادی به روابط میان اشخاص و دولت بازمی گردد. در کل، هر گونه فعالیت یا کنترلی از سوی دولت که با استقلال فردی تداخل و تعارض داشته باشد، آزادی اقتصادی را محدود می سازد. باید تاکید کرد که منظور از آزادی اقتصادی رواج هرج و مرج و بی نظمی و از میان برداشتن نظارت و اعمال قانون از سوی دولت نیست، بلکه منظور ایجاد و حفظ احساس آزادی انتخاب برای همگان است. در چنین حالتی افراد در عین حالیکه از موهبت آزادی اقتصادی بهره مند می شوند، مسئول احترام به حقوق و آزادی های دیگران نیز هستند. دولت‌ها مسئول محافظت افراد در برابر بلایای طبیعی و غارتگری های بزهکاران هستند، به گونه ای که حقوقی همچون حقوق مالکیت و حقوق قراردادهای در مقابل تمایلات مخرب، علاوه براینکه به صورت انفرادی محافظت می شود، از سوی اجتماع نیز صیانت می شود.

یک تعریف جامع از آزادی اقتصادی می بایست کلیه حقوق و اختیارات مرتبط با تولید، توزیع یا مصرف کالاها و خدمات را شامل شود. کامل ترین شکل آزادی اقتصادی باید باعث ایجاد حقوق مطلق مالکیت اموال، آزادی کامل برای جابجایی نیروی کار، سرمایه و کالاها، و عدم وجود هر گونه اجبار یا مانعی برای آزادی اقتصادی، فراتر از حدود ضروری برای حفظ و صیانت آزادی شهروندی، باشد. به بیان دیگر، در جامعه ای که از نظر اقتصادی آزاد است، افراد برای کار، تولید، مصرف و سرمایه گذاری به شکل دلخواه خود، تحت حاکمیت قوانین آزاد هستند و آزادی آنها از سوی دولت محترم شمرده شده و از آن محافظت می شود.

واضح است که برخی از کارکردهای دولت برای محافظت از اجتماع و شهروندان و بهره مندی آنان از ثمرات زحماتشان ضروری هستند. مثلا بیشتر نظریه پردازان سیاسی نیز می پذیرند که تامین کالاها و خدمات عمومی از طریق دولت

نسبت به بخش خصوصی با کارایی بیشتری صورت می‌گیرد. اصولاً برخی از این کالاها و خدمات مانند تشکیل و اداره نیروی پلیس، نهادهای ذیصلاح پولی (بانک مرکزی) و سیستم قضایی از اجزای حیاتی یک جامعه با اقتصاد آزاد به شمار می‌روند. اما هنگامی که فعالیتهای دولت از سطح حداقلی عبور می‌کند، می‌تواند به محدودیت آزادی منجر شود و اغلب آزادی اقتصادی اولین جنبه‌ای است که تاثیر می‌پذیرد.

در طول تاریخ دولتها موانع بسیاری را بر آزادی اقتصادی تحمیل کرده‌اند. اگرچه این محدودیتهای اغلب تحت عناوین و اهداف اجتماعی و الایمی چون عدالت بر جامعه تحمیل شده‌اند، اما در بیشتر موارد هدف اصلی از اعمال آنها تامین منافع اقشار خاصی از اجتماع بوده و باعث وارد شدن هزینه‌های بالایی بر کل اجتماع شده‌اند. محدود ساختن حق انتخاب در اقتصاد باعث انحراف و کاهش تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات از حالت طبیعی می‌شود. نتیجه غیرقابل اجتناب این وضعیت، کاهش رشد، کم شدن کامیابی و سعادت و رکود اقتصادی است.

#### گزارش شاخص آزادی اقتصادی

معتبرترین گزارشی که در زمینه آزادی اقتصادی منتشر می‌شود، گزارشی با نام شاخص آزادی اقتصادی (Index of Economic Freedom) است که هر ساله توسط بنیاد هریتیج با همکاری وال استریت ژورنال تهیه می‌شود و در آن کشورهای جهان از نظر شاخص آزادی اقتصادی رتبه‌بندی می‌شوند.

در سنجش این شاخص از آزادی‌های ۱۰ گانه اقتصادی بر اساس اصول سه‌گانه اختیار افراد، عدم تبعیض و رقابت آزاد استفاده می‌شود.

این ۱۰ آزادی عبارتند از :

۱- آزادی کسب و کار<sup>۱</sup>

۲- آزادی تجارت<sup>۲</sup>

۳- آزادی مالیاتی<sup>۳</sup>

<sup>1</sup> Business Freedom

<sup>2</sup> Trade Freedom

<sup>3</sup> Fiscal Freedom

- ۴- مخارج دولتی<sup>۴</sup>
- ۵- آزادی پولی<sup>۵</sup>
- ۶- آزادی سرمایه گذاری<sup>۶</sup>
- ۷- آزادی مالی<sup>۷</sup>
- ۸- حقوق مالکیت<sup>۸</sup>
- ۹- رهایی از فساد<sup>۹</sup>
- ۱۰- آزادی نیروی کار<sup>۱۰</sup>

در ادامه به تعریف مختصر هر یک از این آزادی ها می پردازیم :

### آزادی کسب و کار

این شاخص به حقوق افراد برای راه اندازی و اداره یک بنگاه اقتصادی بدون دخالت از جانب دولت اشاره دارد. مقررات و قوانین دشوار و زائد معمول ترین موانع برای پرداختن آزادانه به فعالیتهای کارآفرینانه هستند. این مقررات با افزایش هزینه های تولید، موفقیت در بازار را برای کارآفرینان مشکل خواهند ساخت. اگرچه بسیاری از مقررات مانع بهره وری و سودآوری کسب و کارها هستند، اما دست و پاگیرترین آنها برای کارآفرینی، مقرراتی هستند که به دریافت مجوز کسب و کار جدید مربوط می شوند.

در برخی کشورها مانند امریکا این فرآیند به سادگی پست کردن یک فرم ثبت نام و با کمترین هزینه صورت می گیرد. در هنگ کنگ این فرآیند شامل پر کردن یک فرم است و در چند ساعت صورت می گیرد. در برخی دیگر از کشورها این امر زمان بسیار بیشتری می برد و شامل رفت و آمدهای بی پایان به ادارات دولتی و مواجه شدن مکرر با تشریفات اداری و برخی اوقات بوروکراسی های فاسد است.

پس از راه اندازی کسب و کار ممکن است مقررات دولتی با فرایندهای عادی تصمیم گیری و قیمت گذاری در کسب و کار تداخل داشته باشد. جالب توجه است که دو کشور با مقررات

---

<sup>4</sup> Government Spending

<sup>5</sup> Monetary Freedom

<sup>6</sup> Investment Freedom

<sup>7</sup> Financial Freedom

<sup>8</sup> Property Rights

<sup>9</sup> Freedom from Corruption

<sup>10</sup> Labor Freedom

مشابه ممکن است دشواری های متفاوتی را بر کسب و کارها تحمیل کنند. چرا که یکی ممکن است مقررات را به صورت منظم و شفاف اعمال کند و تصمیم گیریهای بلند مدت را از طریق ایجاد ثبات تسهیل کند، در حالیکه دیگری ممکن است از طریق اجرای ناسازگار و متناقض مقررات باعث ایجاد فضای غیر قابل پیش بینی شود و با بالا بردن ریسک بر دشواری اداره کسب و کارها بیفزاید. همچنین دشواری بیش از حد مقررات مربوط به ورشکستگی می تواند بر انگیزه اولیه ایجاد کسب و کار توسط کارآفرینان تاثیر منفی بگذارد.

## آزادی تجارت

آزادی تجارت منعکس کننده میزان باز بودن یک سیستم اقتصادی برای ورود کالا و خدمات از سایر نقاط جهان و توانایی شهروندان برای تعامل آزادانه با بازارهای بین المللی به عنوان خریدار یا فروشنده است. محدودیتهای تجارت می توانند در شکل مالیات بر صادرات و واردات و محدودیتهای ممنوعیتهای وضع شده بر تجارت عینیت یابند. محدودیتهای تجاری ممکن است در اشکال پیچیده تر، به ویژه در شکل موانع قانونی نیز ظاهر می شوند. میزانی که دولت مانع جریان آزاد بازرگانی خارجی می شود بر میزان توانایی افراد برای دنبال کردن اهداف اقتصادی و حداکثر سازی بهره وری و بهبود آنها تاثیر مستقیم دارد. مثلا تعرفه ها مستقیما باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی برای مصرف کنندگان می شود، اما تاثیر مهم تر این است که تعرفه ها باعث انحراف انگیزه های تولید برای تولید کنندگان محلی شده و سبب می گردد تا تولیدکنندگان به تولید کالاهایی بپردازند که در آن فاقد مزیت رقابتی هستند یا به تولید در مقیاسهایی اقدام کنند که از نظر اقتصادی فاقد توجیه است. چنین شرایطی مانع تحقق کارایی و رشد اقتصادی است. در بسیاری موارد محدودیتهای تجاری، فناوری پیشرفته تولید کالاها و خدمات را از دسترس کارآفرینان محلی خارج ساخته و توسعه بهره وری را برای آنها محدود می سازد.



## آزادی مالیاتی

آزادی مالیاتی سنجش مستقیم میزان اختیاری است که دولت به افراد و کسب و کارها برای حفظ و کنترل درآمد و ثروتشان، به منظور بهره برداری و کسب سود می دهد. دولت می تواند از طریق مالیات یا از طریق ایجاد بدهی هایی که در نهایت باید از طریق مالیات جبران شود، باعث تحمیل دشواریهای مالیاتی بر فعالیتهای اقتصادی شود. مالیات نهایی که افراد می پردازند در واقع سهمی است که دولت از سود تولید یا ایجاد فعالیتهای کارآفرینانه افراد کسر می کند. آنچه پس از کسر مالیات باقی می ماند، پاداش واقعی افراد از تلاششان است. هر چه سهم دولت بیشتر باشد، سهم افراد کمتر است و انگیزه آنها برای فعالیت پایین تر است. نرخ بالای مالیات با توانایی افراد و بنگاهها برای تعقیب اهدافشان در تضاد است و به طور متوسط اراده آنها را برای کار یا سرمایه گذاری کاهش می دهد. در حالیکه تاثیر مالیات بر درآمد افراد و شرکتها از نظر آزادی اقتصادی مهم است، اما سنجش جامعی از میزان دشواریهای مالیاتی موجود نیست. دولتها ممکن است مالیاتهای غیر مستقیم دیگری همچون مالیات دستمزد، فروش، تعرفه ها و مالیات بر ارزش افزوده را نیز وضع کنند. در شاخص آزادی اقتصادی، دشواری این نوع مالیاتها از طریق سنجش درآمدهای مالیاتی دولت به نسبت تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود.

## مخارج دولت

دشواری ناشی از حاکمیت بیش از حد دولت، چه از نظر کسب درآمدهای دولتی و چه از نظر مخارج دولتی، از مباحث اصلی آزادی اقتصادی است. ممکن است برخی از مخارج دولتی از قبیل ایجاد زیرساختها یا تحقیقات بنیادی با حتی سرمایه های انسانی سرمایه گذاری بشمار روند. همچنین برخی کالاهای عمومی وجود دارند که منافع آن به طور گسترده به تمام جامعه تعلق می گیرد، به گونه ای که قیمت گذاری مناسب برای آن در بازار آزاد مقدور نیست. با این حال مخارج دولتی مستلزم صرف هزینه فرصتی برابر با ارزش سرمایه گذاری یا مصرفی است که در صورت اختصاص همان منابع به بخش خصوصی ایجاد می شد. به بیان دیگر مخارج

بیش از حد دولتی ریسک کاهش مصرف بخش خصوصی و محدود کردن انتخاب افراد را به دنبال دارد. بدتر از آن، عدم پیروی دولت از نظم عرضه و تقاضا در بازار اغلب باعث عدم کارایی، بوروکراسی، بهره‌وری پایین و اتلاف منابع می‌شود.

تمایل دولت به صرف منابع بخش خصوصی بر آزادی و رشد اقتصادی تاثیر دارد. حتی اگر یک اقتصاد تحت مدیریت دولت از طریق صرف هزینه‌های سنگین بتواند به رشد سریع نائل شود، باز هم آزادی اقتصادی را محدود می‌سازد و می‌تواند در بلندمدت به قابلیت رشد کشور صدمه وارد می‌کند.

## آزادی پولی

نقش آزادی پولی برای اقتصاد که در ثبات پول رایج و قیمت‌های تعیین شده توسط بازار نمود می‌یابد، همانند نقش آزادی بیان در دموکراسی است. مردم به یک واحد پولی استوار و قابل اطمینان برای مبادله، محاسبه و ذخیره ارزش نیاز دارند. بدون آزادی پولی، خلق ارزش بلندمدت یا انباشت سرمایه دشوار است. ارزش پول یک کشور تا حد زیادی توسط سیاست‌های پولی دولت آن کنترل می‌شود. هنگامی که سیاست‌های پولی با هدف مهار تورم، ثبات قیمت‌ها و حفظ ثروت ملت وضع شده باشند، مردم می‌توانند برای آینده قابل پیش‌بینی به قیمت‌های بازار اعتماد کنند و سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و دیگر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت خود را با اطمینان بیشتری به اجرا درآورند. در مقابل یک سیاست تورم‌زا مانند یک مالیات نامرئی باعث کاهش سرمایه‌ها می‌شود، قیمت‌ها را منحرف می‌سازد، باعث تخصیص نادرست منابع می‌شود و هزینه‌های کسب و کار را بالا می‌برد. نظریه واحد پذیرفته شده‌ای برای سیاست‌های پولی صحیح در یک جامعه آزاد وجود ندارد. امروزه تقریباً ویژگی تمامی نظریه‌های پولی مورد قبول، حمایت از تورم پایین و استقلال بانک مرکزی است. همچنین ثابت شده است که کنترل قیمت‌ها کارایی بازار را تخریب می‌کند و باعث کمبود یا مازاد در عرضه یا تقاضا می‌شود.

## آزادی سرمایه گذاری

محیط باز و آزاد برای سرمایه گذاری باعث حداکثر شدن خلق فرصتهای کارآفرینانه و انگیزه فعالیتهای اقتصادی، افزایش بهره وری و ایجاد شغل می شود. منافع ایجاد چنین محیطی نه تنها نصیب شرکتهایی می گردد که به انتظار منافع بیشتر ریسکهای کارآفرینانه را متحمل می شوند، بلکه جامعه به طور کلی از آن منتفع می شود.

شفافیت و تساوی حقوق، حمایت از تمامی بنگاهها به جای حمایت از شرکتهای بزرگ و دارای اهمیت استراتژیک و تشویق نوآوری و رقابت به جای تضعیف آن، از خصیصه های یک چارچوب سرمایه گذاری موثر هستند. در مقابل، محدودیت انتقال سرمایه چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی، بهره وری و تخصیص بهینه منابع را کاهش می دهد و تصمیم گیری های اقتصادی را منحرف می سازد. محدودیت انتقال سرمایه از مرزها با محدود کردن جریان سرمایه های ورودی یا خروجی، بازار را کوچک کرده و فرصتهای رشد را کم می کند.

در محیطی که در آن افراد و شرکتهای برای انتخاب محل و چگونگی سرمایه گذاری آزاد هستند، سرمایه به بهترین محل خود جریان می یابد. بدین صورت که سرمایه به بخشها و فعالیتهایی می رود که در آنجا بیشترین نیاز بدان وجود دارد و بازگشت سرمایه در آنها حداکثر است. اقدامات دولتی برای هدایت جریان سرمایه و محدود ساختن گزینه ها، آزادی سرمایه گذار و جستجوکننده سرمایه را با محدودیت مواجه می سازد. هر چه محدودیتهای یک کشور برای سرمایه گذاری بیشتر باشد، سطح فعالیتهای کارآفرینانه آن پایین تر خواهد بود.

## آزادی مالی

یک سیستم مالی باز و شفاف باعث اطمینان از رعایت انصاف در دسترسی به منابع مالی و ارتقای کارآفرینی است. بانکداری باز و آزاد باعث تشویق رقابت و افزایش کارایی سیستم واسطه مالی بین بنگاهها و خانوارها یا بین سرمایه گذاران و کارآفرینان می شود.

در یک سیستم کارآمد بانکی که در آن دسترسی باز و شفاف به منابع مالی وجود دارد، بازار منبع اصلی محافظت از حقوق تمامی طرفین حاضر در یک تعامل مالی است. بازار از طریق فرایندی که از سازوکار عرضه و تقاضا ناشی می شود، اطلاعات واقعی در مورد قیمت ارائه می دهد و عواقب ناشی از تصمیم گیری های اشتباه را به سرعت نشان می دهد. چنین فرایندی بسته به شفافیت بازار و صحت اطلاعات ایجاد می شود. یک سیستم تنظیم کننده و نظارتی موثر از طریق الزام به انتشار اطلاعات و نیز بازرسی های مستقل باعث اطمینان از شفافیت بازار و صحت اطلاعات می شود.

در روندی فزاینده، نقش محوری بانکها در حال تکمیل شدن توسط دیگر ارائه دهندگان خدمات مالی است که برای افزایش سرمایه و تنوع بخشی به ریسک روش های جایگزینی را معرفی می کنند. در مورد سیستم بانکداری، نقش مفید دولت در تنظیم مقررات جهت اطمینان از شفافیت، اعلام دارایی ها، بدهی ها و ریسکها و صحت اطلاعات اعلام شده خلاصه می شود.

در صورتیکه بانکداری و تنظیم مالی توسط دولت فراتر از آنچه برای حصول اطمینان از شفافیت و صداقت در بازارها مورد نیاز است، اعمال شود، می تواند باعث کاهش کارایی، افزایش هزینه های تامین مالی فعالیتهای کارآفرینانه و محدودسازی رقابت شود. مثلا اگر دولت در بازار سهام دخالت کند، در واقع با دخالت کردن در قیمت گذاری سرمایه، که حساس ترین کارکرد اقتصادی بازار است، به حق انتخاب میلیونها نفر از افراد تعدی کرده است. بازار سهام به طور مستمر سود و زیان مورد انتظار از شرکتهای سهامی عام را مورد سنجش قرار می دهد. این سنجش برای تخصیص منابع سرمایه به ارزشمندترین بهره برداری و از آن طریق ارضای مهم ترین نیازهای مشتریان ضروری است.

به همین صورت، مالکیت یا دخالت دولت در بخش بیمه باعث کاهش توانایی تامین کنندگان برای ارائه خدمات با قیمتتهایی متناسب با ریسک و شرایط بازار است.

## حقوق مالکیت

توانایی انباشت ثروت و مستغلات خصوصی، به عنوان محرک اصلی برای فعالان و سرمایه گذاران در اقتصاد بازار

شناخته شده است. به رسمیت شناختن حقوق مالکیت به همراه حاکمیت کافی قوانین برای حفظ آنها، یک خصیصه حیاتی برای کارکرد کامل اقتصاد بازار است. حقوق مالکیت برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه، پس انداز درآمد و برنامه ریزی بلند مدت به شهروندان اطمینان می دهد، زیرا آنها می دانند که درآمد، پس انداز و مستغلات آنها (در شکل مادی یا فکری) از سوء استفاده و دزدی در امان هستند. محافظت از اموال خصوصی به یک سیستم قضایی موثر و صادق نیاز دارد که به صورت برابر و بدون تبعیض برای همه در دسترس باشد. ثابت شده است که استقلال، شفافیت و کارایی سیستم قضایی یکی از شاخص های کلیدی چشم انداز هر کشور برای رشد اقتصادی بلند مدت است. همچنین وجود چنین سیستمی برای حفظ صلح و امنیت و محافظت از حقوق بشر ضروری است.

یکی از جنبه های کلیدی حفاظت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای پذیرفتن داوطلبانه الزامات قراردادهای، اساس سیستم بازار و پایه تخصص های اقتصادی، منافع حاصل از مبادلات بازرگانی، و تجارت بین ملتها را تشکیل می دهد. اجرای منصفانه قراردادهای خصوصی توسط دولت برای اطمینان از تساوی و انسجام در بازار الزامی است.

## رهایی از فساد

فساد به معنی انحراف یا عدم صداقت است. در دولت فساد به معنی عدم صداقت در سیستم است، یعنی انحرافی که از طریق آن افراد می توانند به هزینه جامعه، منافع شخصی کسب کنند. فساد دولتی خود را در اشکال مختلفی همچون رشوه، اخاذی، رابطه بازی، حمایت های غیرقانونی، حیف و میل و معمول تر از همه اختلاس نشان می دهد که در آنها مقامات دولتی از سرمایه های عمومی می دزدند یا به طور نامشروع بهره مند می شوند.

فساد می تواند تمامی بخش های یک اقتصاد را آلوده سازد. میان حدود وضع مقررات توسط دولت یا دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی و میزان فساد رابطه مستقیم وجود دارد. تقریباً تمام مقررات دولتی می تواند فرصتی را برای رشوه یا اختلاس ایجاد کند. به علاوه محدودیتهای یا مقررات دولتی در یک منطقه می تواند به ایجاد یک بازار غیر رسمی

در منطقه دیگر منجر شود. مثلاً کشوری که در آن با موانع تجاری زیاد است، ممکن است قوانینی برای محافظت از بازارهای محلی خود و جلوگیری از واردات کالاهای خارجی وضع کرده باشد، اما همین موانع انگیزه هایی برای قاچاق و ایجاد بازار سیاه برای کالاهای محدود شده ایجاد می کند.

شفافیت بهترین اسلحه در مقابل فساد است. صراحت و آزادی در فرآیندها و دستورالعملهای مربوط به مقررات می تواند به بهبود رویه های منصفانه و کارایی و سرعت و سهولت بیشتر در اجرای مقررات بیانجامد.

## آزادی نیروی کار

اختیار افراد برای کار کردن به میزان دلخواه و در محلی که مطلوبشان است، از مولفه های کلیدی آزادی اقتصادی به شمار می رود. به همین صورت اختیار کسب و کارها برای عقد قراردادهای آزادانه کار و تعدیل نیروهای اضافی، سازوکاری حیاتی برای ارتقای بهره وری و حفظ رشد اقتصادی است. اصل اساسی در هر بازار مبادلات آزاد و اختیاری است. این اصل در بازار نیروی کار نیز مانند بازار کالاها صادق است.

دخالت دولت در بازار نیروی کار همان مشکلاتی را ایجاد می کند که در هر بازار دیگری ممکن است به وجود آید. مقررات دولتی ممکن است اشکال مختلفی همچون کنترل دستمزد، محدودیت استخدام و اخراج و محدودیت سلامت و ایمنی داشته باشد. در بسیاری از کشورها اتحادیه ها نقش مهمی در تنظیم آزادی نیروی کار ایفا می کنند و بسته به ماهیت فعالیت هایشان ممکن است باعث آزادی بیشتر شده یا مانعی برای کارکرد آزاد بازار کار شوند. در کل، هر چه آزادی نیروی کار بیشتر باشد، نرخ بیکاری در اقتصاد پایین تر خواهد بود.

## روش شناسی محاسبه شاخص آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی هر کشور به صورت یک عدد بین ۰ تا ۱۰۰ تعیین می شود که در آن عدد صفر نشانگر حداقل آزادی

اقتصادی و عدد ۱۰۰ نشانگر حداکثر آزادی اقتصادی است. برای تعیین این شاخص ابتدا هر کدام از مولفه های ده گانه آزادی اقتصادی به صورت جداگانه بر اساس اندازه گیری نماگرهای منتخب، محاسبه شده و به هر کدام عددی بین صفر تا صد نسبت داده می شود. سپس میانگین این مولفه ها محاسبه شده و شاخص آزادی اقتصادی را مشخص می کند. در این محاسبات هر یک از این ۱۰ مولفه وزن برابر دارند. در ادامه نماگرها و نحوه محاسبه هر مولفه به اختصار بیان می شود.

### آزادی کسب و کار

امتیاز این مولفه خود بر اساس ۱۰ عامل با وزن برابر است که داده های آن از مطالعه "انجام کسب و کار" بانک جهانی بدست می آیند. این ۱۰ عامل عبارتند از :

- راه اندازی کسب و کار - دستورالعملها (تعداد)
- راه اندازی کسب و کار - زمان (روز)
- راه اندازی کسب و کار - هزینه (نسبت به درآمد سرانه)
- راه اندازی کسب و کار - حداقل سرمایه (نسبت به درآمد سرانه)
- کسب مجوز - دستورالعملها (تعداد)
- کسب مجوز - زمان (روز)
- کسب مجوز - هزینه (نسبت به درآمد سرانه)
- تعطیلی کسب و کار - زمان (سال)
- تعطیلی کسب و کار - هزینه (نسبت به دارایی)
- تعطیلی کسب و کار - نرخ بهبودی (سنت در هر دلار)

هر کدام از این ۱۰ عامل در مقیاس صفر تا صد برده می شود و در نهایت میانگین آنها محاسبه می شود.

### آزادی تجاری

تعیین این مولفه شامل سنجش ترکیب دو عامل زیر یعنی موانع تعرفه ای و موانع غیر تعرفه ای است که بر واردات و صادرات کالاها و خدمات اثر می گذارند.

۱- میانگین وزنی نرخ تعرفه های تجاری

۲- موانع غیر تعرفه ای

عامل اول یک سنجش کاملا کمی است. میانگین وزنی تعرفه ها بر اساس وزن تعرفه هر کالا و به تناسب سهم آن کالا در واردات محاسبه می شود. حدود موانع غیر تعرفه ای در سیاست تجاری هر کشور بر اساس اطلاعات کمی و کیفی تعیین می شود. قوانین محدود کننده تجارت طیف بسیار گسترده ای را شامل می شود و این امر سنجش آنها را با پیچیدگی هایی مواجه می سازد. دسته هایی از قوانین که در این بخش مورد ملاحظه قرار می گیرند عبارتند از :

- محدودیتهای کمیتی : سهمیه بندی واردات، سقف صادرات، توقیف و ممنوعیت صادرات و واردات
- محدودیتهای قیمتی : عوارض ضد دامپینگ، عوارض حمایت از تولید کنندگان داخلی، مالیات مرزی، عوارض گمرکی متغیر
- محدودیتهای مقرراتی : مجوزدهی، استانداردهای ایمنی و صنعتی، مقررات بسته بندی، برچسب زنی و نام های تجاری، مقررات تبلیغات و رسانه ها
- محدودیتهای سرمایه گذاری : کنترل نرخ ارز، دیگر کنترلهای مالی
- محدودیتهای گمرکی : ملزومات سپرده گذاری، دستورالعملهای ارزیابی گمرکی، دستورالعملهای دسته بندی گمرکی، دستورالعملهای ترخیص گمرکی
- دخالت مستقیم دولت : یارانه ها، سیاستهای دولت در صنایع و اقدامات توسعه منطقه ای، پژوهشهای دولتی تامین مالی شده و سیاستهای مربوط به فناوری، مالیات و تامین اجتماعی، سیاستهای رقابت، سیاستهای مهاجرت، سیاستهای تامین تدارکات توسط دولت، تجارت دولتی، انحصارات دولتی و معافیتهای انحصاری



## آزادی مالیاتی

این آزادی شامل دشواری های مالیات مستقیم و میزان کلی درآمدهای مالیاتی نسبت به GDP است. این مولفه از سه عامل کمی زیر تشکیل می شود.

- نرخ مالیات بر درآمد افراد
- نرخ مالیات بر درآمد شرکتها
- درآمد کلی مالیاتی نسبت به کل GDP

## مخارج دولت

این مولفه نسبت مخارج دولتی به GDP را در نظر می گیرد. تلاشی برای تعریف سطح ایده آل هزینه های دولت صورت نگرفته است و این سطح از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در این روش از مخارج صفر دولت به عنوان الگوی مقایسه ای استفاده می شود و در نتیجه ممکن است کشورهای توسعه نیافته از این مولفه امتیازات غیر واقعی بالایی کسب کنند، اما به هر حال دولت این کشورها که توانایی تامین نیازهای عمومی جامعه را ندارد، در دیگر مولفه های آزادی اقتصادی امتیازات پایین کسب خواهد کرد. در این سنجش از مقیاس غیر خطی استفاده می شود، به گونه ای که نرخ افزایش امتیازات منفی بسیار بیشتر از نرخ رشد مخارج دولت خواهد بود و تنها دولتهای واقعا بزرگ، امتیازات منفی پایین کسب می کنند.

## آزادی پولی

این آزادی بر اساس ثبات قیمتها با توجه به کنترل قیمتها محاسبه می شود و بنابراین امتیاز این مولفه بر اساس دو عامل سنجیده می شود :

- میانگین وزنی نرخ تورم برای سه سال اخیر
- کنترل قیمتها

میانگین وزنی نرخ تورم به عنوان ورودی اصلی استفاده می شود و به نسبت کنترل قیمتها تعدیل می شود.

## آزادی سرمایه گذاری

در یک اقتصاد آزاد محدودیتی برای جریان سرمایه وجود ندارد و افراد و شرکتها می توانند آزادانه منابع سرمایه خود را به یک فعالیت در داخل یا خارج کشور وارد ساخته و یا از آن خارج سازند. در عمل بیشتر کشورها، محدودیتهایی برای این جریان وضع می کنند.

برای محاسبه این مولفه محدودیتهای متنوعی که معمولا برای سرمایه گذاری وجود دارند، شناسایی می شوند و بر اساس آنها به کشور امتیاز منفی تعلق می گیرد. محدودیتهای سرمایه گذاری عبارتند از :

- عدم وجود رویه های ملی برای سرمایه گذاری خارجی
- قوانین مربوط به سرمایه گذاری خارجی
- محدودیتهای تملک زمین
- محدودیتهای سرمایه گذاری در بخشهای خاص
- مصادره سرمایه ها بدون جبران منصفانه
- کنترل ارز خارجی
- کنترل سرمایه

## آزادی مالی

این شاخص امنیت بانکداری و استقلال آن را از کنترلهای دولتی می سنجد. امتیازدهی به این شاخص از طریق تعیین حدود مقررات دولتی در خدمات مالی، میزان دخالت دولت در بانکداری و خدمات مالی، دشواری ایجاد و اداره بنگاههای ارائه خدمات مالی و نفوذ دولت در تخصیص اعتبارات سنجیده می شود.

این امتیازدهی در مقیاس ۱۰۰ تا صفر انجام می شود و طیفی را از دخالت ناچیز دولت و استقلال کامل بانک مرکزی تا نفوذ کامل و همه جانبه دولت بر موسسات مالی دولتی و خصوصی را شامل می شود.

## حقوق مالکیت

این مولفه توانایی افراد را برای انباشت ثروت و مستغلات و حمایت قانون از آن و اجرای آن قوانین توسط دولت را می‌سنجد. این مولفه میزان حمایت قانون هر کشور از حقوق مالکیت و میزان اجرای آن قوانین توسط دولت را می‌سنجد. این مولفه همچنین احتمال توقیف و مصادره اموال از طرف دولت را ارزیابی کرده، استقلال دستگاه قضایی و وجود فساد در آن را تحلیل می‌کند و توانایی افراد و کسب و کارها را برای اجرای قراردادها تعیین می‌کند. هر چه حمایت قانونی از اموال افراد بیشتر باشد، امتیاز کشور بالاتر است و بر عکس هر چه احتمال مصادره اموال بالاتر باشد امتیاز کشور پایین‌تر است و کشورها براساس این معیار امتیازی از صفر تا ۱۰۰ دریافت می‌کنند.

## رهایی از فساد

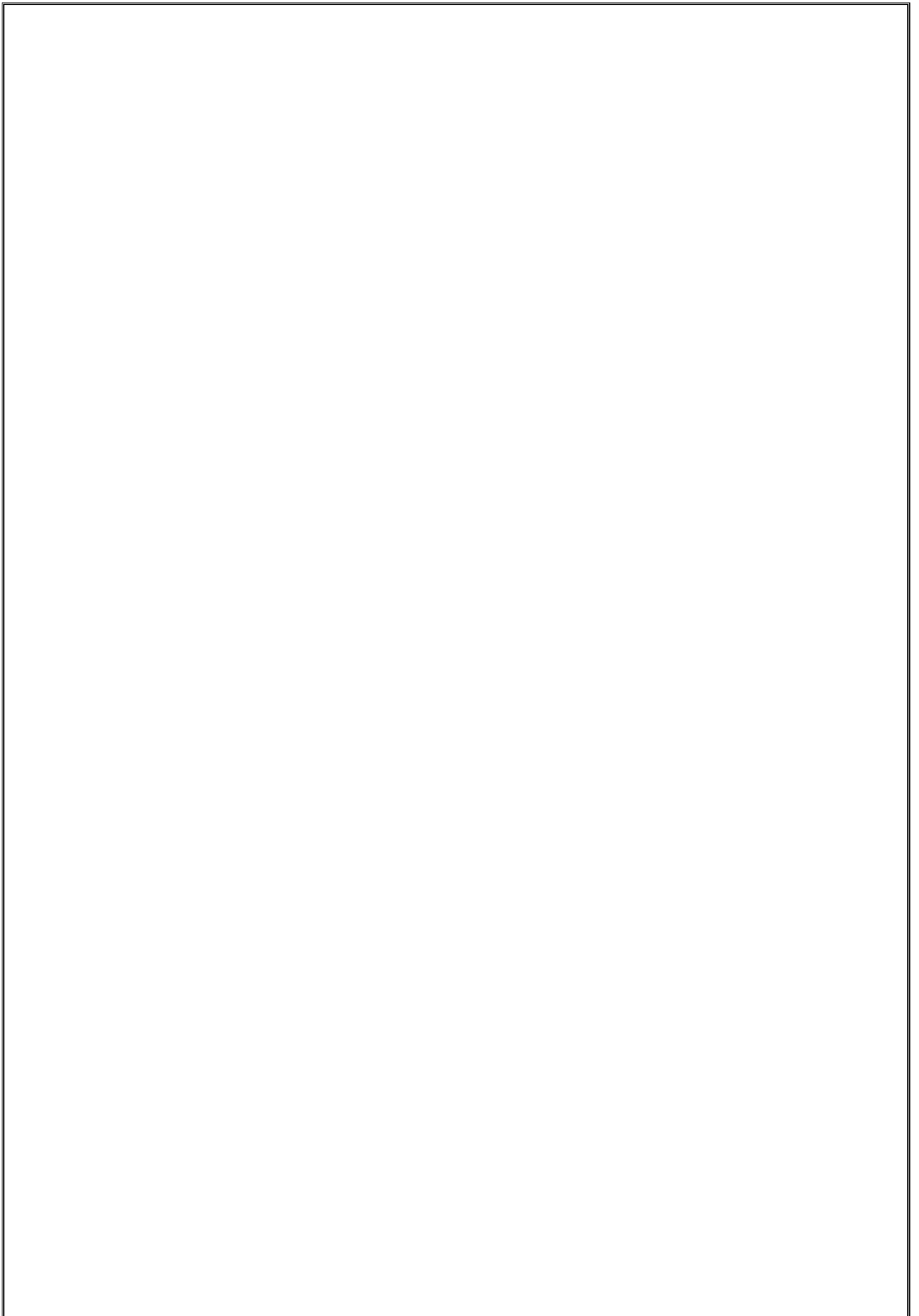
فساد از طریق القای عدم امنیت و عدم اطمینان در روابط اقتصادی، آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهد. امتیاز اولیه این مولفه از شاخص فساد (CPI) موسسه شفافیت بین‌المللی در سال ۲۰۰۸ بدست می‌آید که سطح فساد را در ۱۸۰ کشور جهان اندازه‌گیری می‌کند.

## آزادی نیروی کار

این مولفه یک سنجش کمی از جنبه‌های مختلف قانونی و چارچوبهای مقررات بازار کار یک کشور را در نظر می‌گیرد.

شش عامل مورد محاسبه عبارتند از :

- نسبت حداقل حقوق به میانگین ارزش افزوده هر کارگر
- منع استخدام کارگر جدید
- انعطاف ناپذیری ساعات کار
- دشواری تعدیل نیروهای اضافی
- دوره اعلام حکم قانونی
- غرامت اجباری

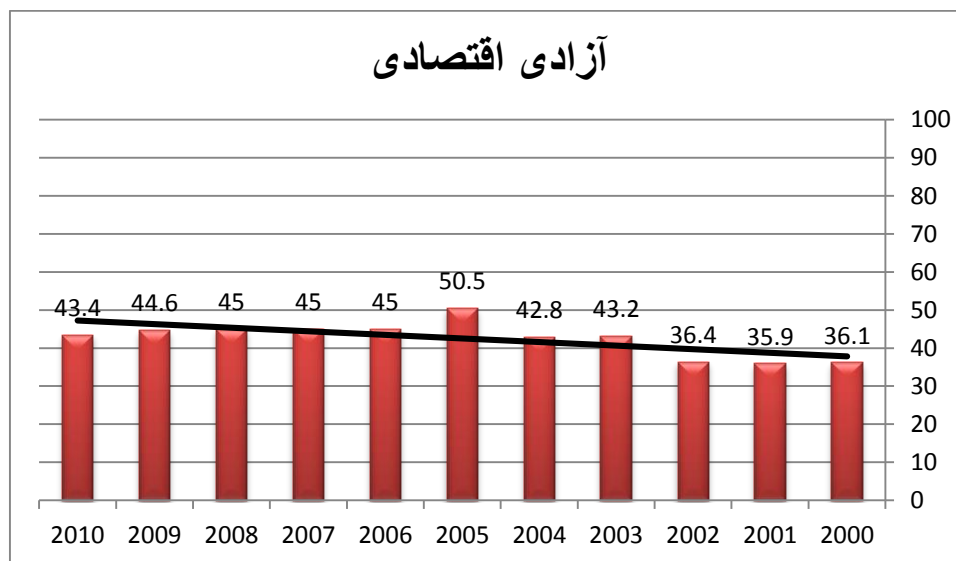


## فصل دوم

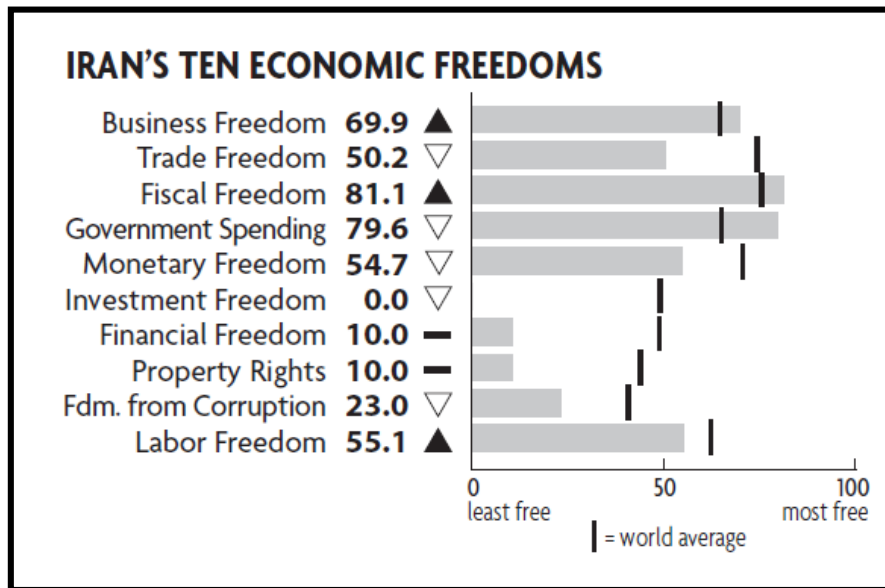
### نتایج و روند شاخص های کلیدی آزادی اقتصادی

در رتبه بندی شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج در سال ۲۰۱۰ که در میان ۱۷۹ کشور صورت گرفت، کشور ایران با کسب امتیاز ۴۳/۴ از صد امتیاز، رتبه ۱۶۸ را به خود اختصاص داد. امتیاز آزادی اقتصادی ایران در اثر امتیازات پایین معیارهای فساد و آزادی پولی نسبت به سال ۲۰۰۹، ۱/۲ واحد کاهش داشت. ایران در میان ۱۷ کشور منطقه خاور میانه و شمال آفریقا رتبه ۱۶ را به خود اختصاص داد و امتیاز آن از میانگین جهانی پایین تر است.

روند تغییرات امتیاز شاخص آزادی اقتصادی برای کشور ایران طی ۱۰ سال گذشته را در نمودار زیر ملاحظه می کنید که بهبود چندانی نداشته است. تنها مورد قابل ملاحظه رشد مقطعی و ناپایداری است که در سال ۲۰۰۵ ملاحظه می شود.



نمودار زیر وضعیت ایران در شاخص های دهگانه آزادی اقتصادی، به همراه امکان مقایسه آنها با میانگین جهانی را نشان می دهد :



جدول زیر اطلاعات مربوط به شاخص آزادی اقتصادی و آزادی های دهگانه در ایران را برای سری زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نشان می دهد.

2010	2009	2008	2007	2006	2005	2004	2003	2002	2001	2000	
43.4	44.6	45	45	45	50.5	42.8	43.2	36.4	35.9	36.1	آزادی اقتصادی
69.9	60.6	55.8	55.4	56.1	40	40	40	40	40	55	آزادی کسب و کار
50.2	57.4	57.4	55.4	55.4	78.8	78.8	72.8	47.2	62	51.4	آزادی تجارت
81.1	81	81.1	81.2	81.2	81.2	64.2	64.2	40.9	41.3	41.3	آزادی مالیاتی
79.6	79.7	84.5	84.5	85.1	88	80.2	89.6	79.7	82.7	79.7	مخارج دولت
54.7	60.1	61.3	62	60.1	60.1	61.7	62.3	59.5	57.2	57.6	آزادی پولی
0	10	10	10	10	30	30	30	30	10	10	آزادی سرمایه گذاری
10	10	10	10	10	10	10	10	10	10	10	آزادی مالی
10	10	10	10	10	10	10	10	10	10	10	حقوق مالکیت
23	25	27	29	29	30	10	10	10	10	10	رهایی از فساد
55.1	52.4	53.1	52.5	53	76.4	-	-	-	-	-	آزادی نیروی کار

## فصل سوم

### تحلیل نتایج

چنانچه ملاحظه می شود، رتبه ایران از نظر شاخص جهانی آزادی اقتصادی مطلوب نیست. کسب رتبه ۱۶۸ از میان ۱۷۹ کشور بدین معناست که تنها ۱۱ کشور از این لحاظ پایین تر از کشور ما قرار گرفته اند. این ۱۱ کشور عبارتند از: جمهوری کنگو، جزایر سالامون، ترکمنستان، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبی، ونزوئلا، برمه، اریتره، کوبا، زیمبابوه، کره شمالی، افغانستان، عراق، لیختن اشتاین و سودان که هیچ یک نه از بعد منابع و مواهب خدادادی و استعدادها و توانایی های انسانی و نه از بعد موقعیت جهانی و منطقه ای با کشور ما قابل مقایسه نیستند.

همچنین از میان ۱۷ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ایران در رتبه شانزدهم جای گرفته و فقط کشور لیبی از کشور ما پایین تر قرار دارد. چنین رتبه ای به هیچ عنوان با چشم انداز ۱۴۰۴ کشور سازگار نیست.

قرار گرفتن کشور ما در رده کشورهایایی از این دست مایه تاسف است و قابل توجیه نیست و از سوء تدبیر، سیاستگذاری های غلط و جهت گیری های اشتباه مسئولین و دولتمردان ما از جنبه اقتصادی حکایت می کند. سیاستهایی چون حمایت غیر منطقی از تولیدات داخلی از طریق تعرفه های بالای گمرکی، حضور پررنگ دولت در بسیاری از جنبه های فعالیت های اقتصادی در اثر شکاف پررنگ میان حکومت و قشر عظیمی از مردم که باعث عدم اعتماد به مردم جهت انجام فعالیت های بزرگ و حساس اقتصادی می شود و تکیه بر درآمدهای نفتی، بخشی از این جهت گیری ها و سیاست گذاری های اشتباه را تشکیل می دهند که تبعاتی چون رکود اقتصادی در بخش غیر نفتی، کمبود پویایی در کل اقتصاد، محیط محدود کننده سرمایه گذاری و کسب و کار، روند کند توسعه بخش خصوصی، مالکیت دولتی بیش از ۵۰۰ شرکت بزرگ، شیوع فساد فراگیر و میزان ناچیز خصوصی سازی واقعی را در پی داشته است.

چنین وضعیتی محیط انجام کسب و کار را نیز تحت تاثیر قرار داده است. علاوه بر آن ضعف در قوانین و مقررات و اجرا آن نیز دشواری هایی را برای انجام کسب و کار ایجاد

می‌کند. اخذ مجوز کسب و کار و تعطیلی آن تحت مقررات سختگیرانه و ناکارآمد انجام می‌شود. نرخ بالای تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای، مانع تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی هستند. فساد شایع است و حقوق مالکیت تضمین شده نیست. سیستم قضایی در مقابل نفوذ سیاسی آسیب‌پذیر و دچار عدم شفافیت است و در نهایت درآمد نفتی تقریباً ۵۰ درصد بودجه دولتی را تشکیل می‌دهد.

برای بررسی دقیق‌تر وضعیت آزادی اقتصادی در ایران و شناسایی نقاط ضعف و قوت کشور در این زمینه در ادامه وضعیت هر یک از آزادی‌های دهگانه را به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم. شایان ذکر است که کشور ایران در سه آزادی از آزادی‌های دهگانه امتیازی بالاتر از میانگین جهانی کسب کرده است. این سه آزادی عبارتند از: آزادی کسب و کار، آزادی مالیاتی و مخارج دولت. همچنین بالاترین امتیاز با عدد ۸۱/۱ به آزادی مالیاتی و پایین‌ترین امتیاز با عدد صفر به آزادی سرمایه‌گذاری تعلق دارد.

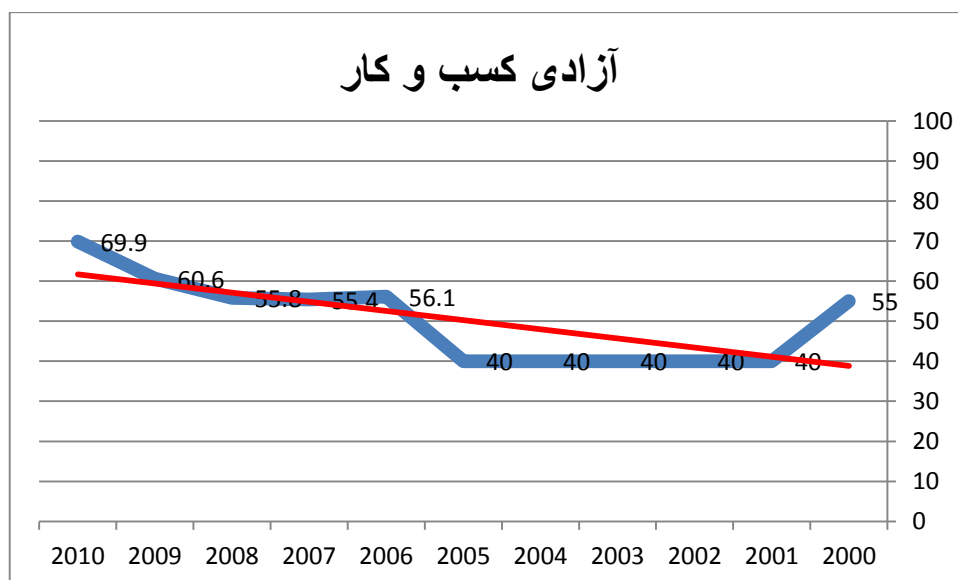
## آزادی کسب و کار

امتیاز ایران در گزارش سال ۲۰۱۰ آزادی اقتصادی برای شاخص آزادی کسب و کار ۶۹/۹ از صد محاسبه شده است که از میانگین جهانی ۶۴/۹ بالاتر است. به نظر می‌رسد که وضعیت ایران در این آزادی نسبتاً بهتر است. البته باید در نظر داشت که در شاخص انجام کسب و کار که توسط بانک جهانی استخراج می‌شود و برای محاسبه آزادی کسب و کار در شاخص آزادی اقتصادی از اطلاعات آن استفاده می‌شود؛ ایران در میان ۱۸۹ کشور مورد بررسی رتبه ۱۳۷ را دارد که چندان مطلوب نیست. با بررسی بیشتر مشخص می‌شود که فرآیند آغاز یک کسب و کار در ایران در مقایسه با میانگین جهانی ۳۵ روز، فقط ۹ روز طول می‌کشد. احتمالاً چنین اختلافی باعث بهبود رتبه ایران در این شاخص شده است. در حالیکه در سایر نماگرها همچون کسب مجوز بهره‌برداری، استخدام نیروی کار، ثبت مالکیت، جذب اعتبار، پرداخت مالیات و تعطیلی کسب و کار ایران در وضعیت مطلوبی نیست، مثلاً دریافت مجوز کسب و کار در مقایسه با میانگین جهانی ۲۱۸



روز، در ایران ۳۲۲ روز طول می کشد. این واقعیت به شرایط نامتقارن و نامتناسب ایران در این زمینه اشاره دارد.

نمودار زیر روند تغییرات آزادی کسب و کار را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد.



## آزادی تجارت

امتیاز ایران در گزارش سال ۲۰۱۰ آزادی اقتصادی برای شاخص آزادی تجارت ۵۰/۲ از صد محاسبه شده است و با میانگین جهانی ۷۴/۲ فاصله نسبتاً زیادی دارد.

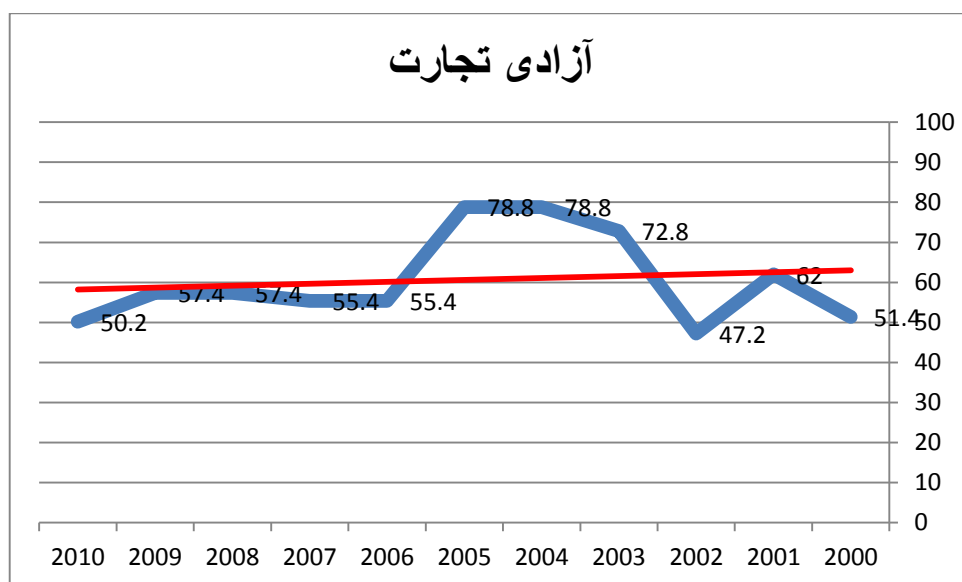
گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد :

"میانگین وزنی نرخ تعرفه های ایران در سال ۲۰۰۸ ، ۱۷/۴ درصد بود. محدودیت و ممنوعیت واردات، تعرفه ها و مالیات واردات بالا، شرایط مجوز صادرات، دستوالعملهای دشوار گمرکی، تجارت دولتی، تغییرات یکطرفه در تعرفه ها و برنامه های مالیاتی و اعمال ضعیف حقوق مالکیت فکری، هزینه تجارت را افزایش می دهد. به دلیل موانع غیر تعرفه ای ۱۵ واحد از این امتیاز ایران کسر شده است."

موانع موجود در کشور برای برقرار ارتباط کسب و کارهای داخلی با بازار جهانی و نیز کسب و کارهای جهانی با بازار داخلی در قالب موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای باعث امتیاز پایین ایران در این آزادی شده است. به نظر

می رسد برداشت نادرست از مفهوم خودکفایی و تلاش صنایع و کسب و کارهای ناکارآمد دولتی برای ایجاد و حفظ بازارهای انحصاری، با بهانه حمایت از تولید داخلی، که در نهایت به عدم رشد و ناکارآمدی آن صنایع و کسب و کارها و اجحاف در حق مصرف کنندگان منجر می شود، یکی از عوامل اصلی این وضعیت باشد.

نمودار زیر روند تغییرات آزادی تجارت در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد.



### آزادی مالیاتی

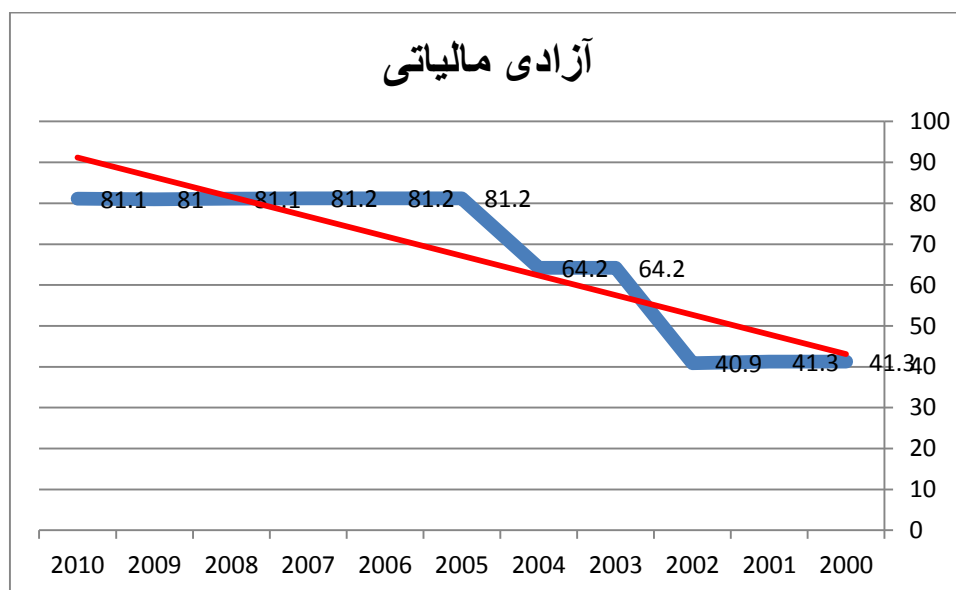
ایران در این آزادی بالاترین امتیاز را دارد. امتیاز ۸۱/۱ ایران در این آزادی نسبت به میانگین جهانی ۷۵/۴ از وضعیت مناسب تری برخوردار است.

گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد:

"در ایران نرخ مالیات بر درآمد نسبتا بالا و نرخ مالیات بر شرکتها متوسط است. بالاترین نرخ مالیات بر درآمد ۲۵ درصد و نرخ ثابت مالیات بر شرکتها ۲۵ درصد است. تمامی نقل و انتقالات اموال شامل مالیات استاندارد هستند. از

سال ۲۰۰۵ مالیات بر ارزش افزوده نیز به صورت نامنظم جمع آوری شده است. در سال گذشته، سهم کلی درآمدهای مالیاتی ۶/۱ درصد GDP بود."

نمودار زیر روند تغییرات آزادی مالیاتی در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد که روند صعودی و رو به بهبود داشته است.



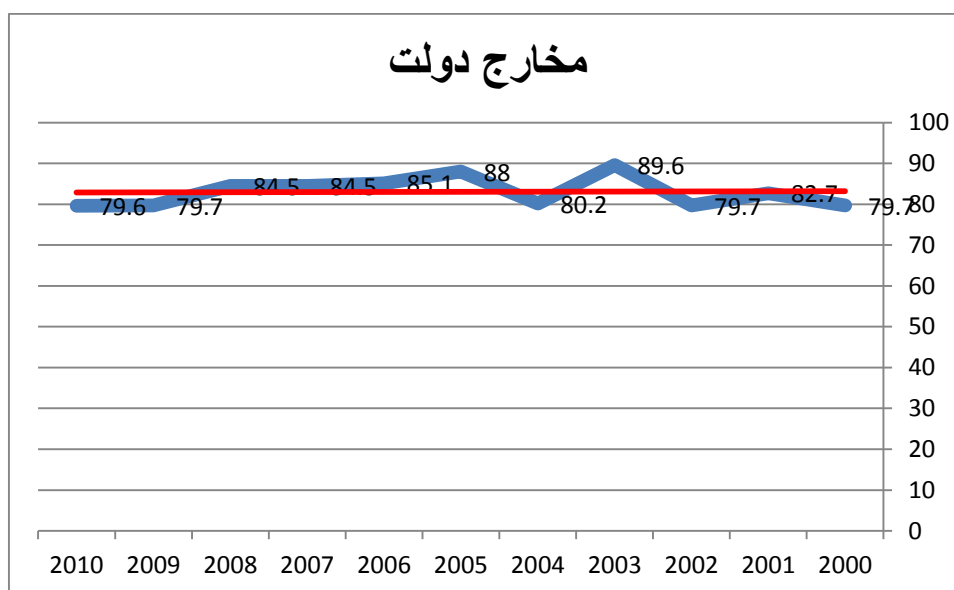
## مخارج دولت

این شاخص نیز از جمله سه شاخصی است که در آن ایران نسبت به میانگین جهانی از وضعیت بهتری برخوردار است. میانگین جهانی برای این شاخص عدد ۶۵ است که ایران با اختصاص امتیاز ۷۹/۶ حدود ۱۵ واحد بالاتر از آن قرار دارد.

گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد :

"مخارج کلی دولت، شامل پرداختهای مصرفی و انتقالی، نسبتاً پایین است. در سال اخیر مخارج دولت ۲۶/۱ درصد GDP بوده است."

نمودار زیر روند تغییرات مخارج دولت در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد که روند نسبتاً ثابتی داشته است.



## آزادی پولی

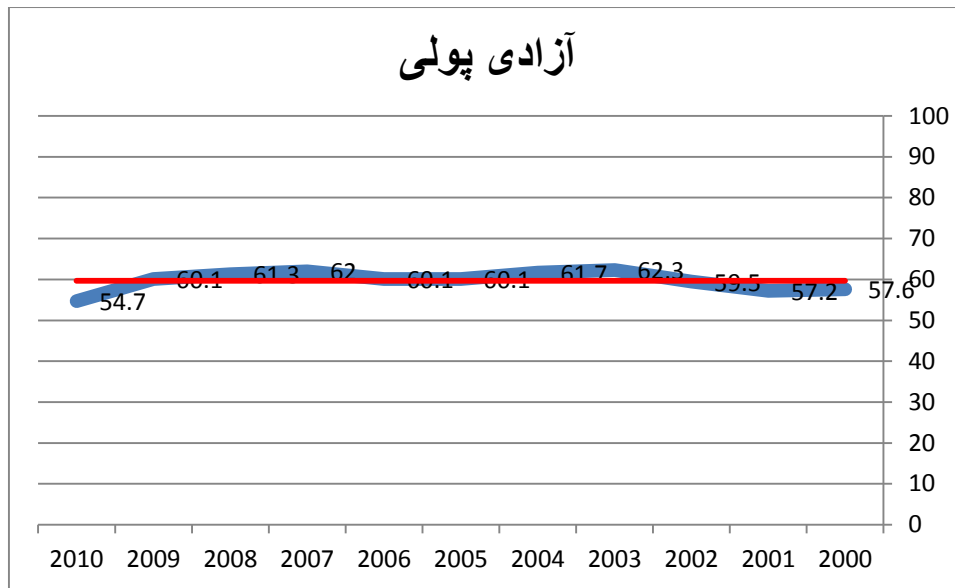
شاخص آزادی پولی در ایران ۵۴/۷ است که نسبت به میانگین جهانی ۷۰/۶ بسیار کمتر است. به نظر می رسد آزادی پولی پایین یکی از نقاط ضعف کشور در زمینه آزادی اقتصادی باشد.

گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد :

"تورم با میانگین ۲۲/۹ درصد بین سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ از نرخ بسیار بالایی برخوردار است. دولت قیمت محصولات نفتی، برق، آب، و گندم را کنترل می کند، یارانه اقتصادی می دهد و از طریق تنظیم بنگاههای دولتی پرشمار بر قیمتها اثر می گذارد. به علت اقداماتی که قیمتهای محلی را منحرف می کند، ۱۵ امتیاز از این شاخص کسر گردیده است."

نمودار زیر روند تغییرات آزادی پولی در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد که روند نسبتاً ثابتی داشته است.

## آزادی پولی



## آزادی سرمایه گذاری

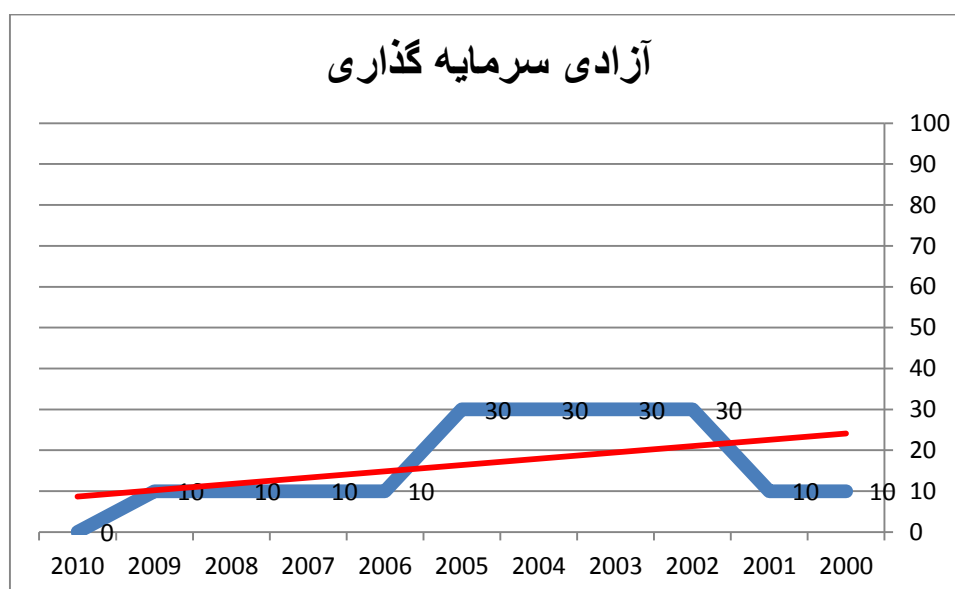
جدی ترین چالش کشور در زمینه آزادی اقتصادی را آزادی سرمایه گذاری تشکیل می دهد. در حالیکه میانگین جهانی این شاخص ۴۸/۹ است، امتیاز ایران در این شاخص صفر است. از آنجا که مهمترین عامل در سرمایه گذاری امنیت است، احتمالاً تحریم و مسائل و کشمکش های سیاسی منشا اصلی این وضعیت است که ناشی از ضعف دولتمردان در جلب اعتماد جامعه جهانی و مقابله با تبلیغات منفی علیه کشور است. قوانین و مقررات ناکارآمد و مبهم نیز به این وضعیت دامن می زند.

گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد :

"سرمایه گذاری خارجی در ایران با مخالفت های جدی دولتی مواجه می شود و در بسیاری از فعالیتها از جمله بانکداری، ارتباطات، حمل و نقل، نفت و گاز ممنوع است. تمامی سرمایه گذاری ها نیازمند تایید دولت هستند و فرآیند مربوط به آن پیچیده است. روش محاسبه حداکثر سهم شرکتهای خارجی که مجاز به سرمایه گذاری هستند، مبهم است. مجلس می تواند پروژه هایی را که در آن اکثریت سهم متعلق به سرمایه گذاران خارجی است، وتو نماید. ناآرامی های سیاسی و عدم قطعیت در مورد تحریم های بین المللی سرمایه گذاری ها را بیش از پیش با مانع مواجه می سازد.

بیشتر پرداختها، انتقالات، عملیات اعتباری و تراکنش های مالی و سرمایه ای تحت محدودیت هستند و یا نیاز به تایید دارند. فقط افرادی که به طور قانونی و دائمی مقیم ایران هستند، می توانند اقدام به خریدن زمین نمایند. شرکتهای خارجی فقط در صورت ثبت شدن در ایران و کشور متبوع خود می توانند مالک دارایی های خود باشند و در هنگام خرید باید از هویت تجاری ایرانی خود استفاده کنند."

نمودار زیر روند تغییرات آزادی سرمایه گذاری در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد که از سال ۲۰۰۵ روند نزولی به خود گرفته و متأسفانه در سال ۲۰۱۰ به صفر رسیده است.



## آزادی مالی

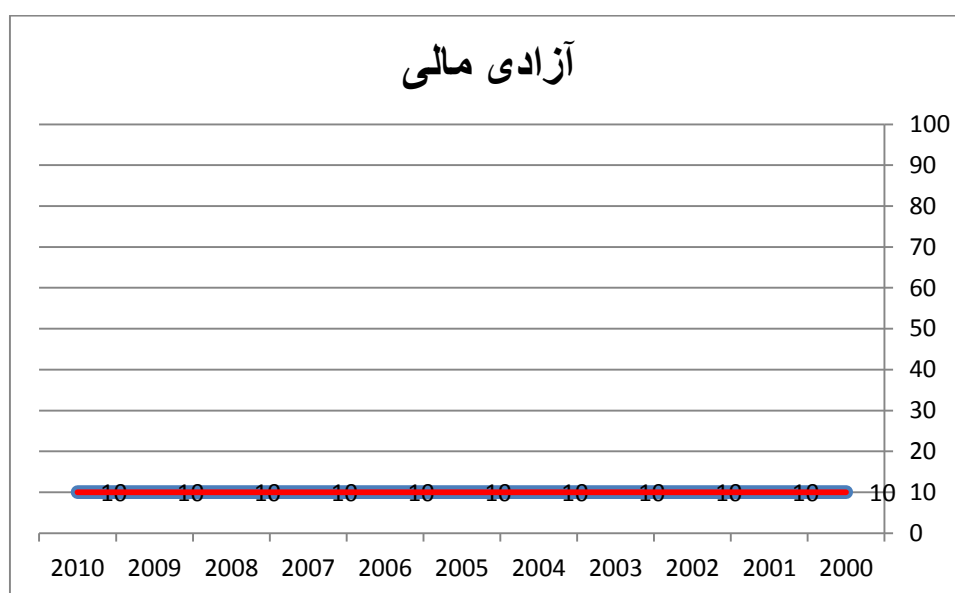
بررسی این شاخص و مقایسه امتیاز ۱۰ کسب شده توسط ایران با میانگین جهانی ۴۸/۶ نشانگر یکی دیگر از نقاط ضعف ایران است.

گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد:

"بخش مالی در ایران به شدت تحت نفوذ دولت است. پس از انقلاب تمامی بانک ها ملی شدند، اما تا کنون ۶ بانک خصوصی هم وارد عرصه فعالیت شده اند. این بانکهای کوچک خصوصی تحت محدودیتهای شدید نرخ بهره غیر رسمی و ملزومات

سرمایه ای هستند. کنترل های سخت گیرانه دولتی، دایره وام دهی بانکها را محدود ساخته و کسب و کارها توان تامین مالی ندارند. بانکها و موسسات مالی متعلق به دولت، اکثریت دارایی های بخش بانکی را به خود اختصاص می دهند. با وجود اینکه اعتبارات اغلب از طریق وام دهندگان سنتی بازاری و با حمایت کسب و کارهای نقدی، تامین می شود، اما تخصیص اعتبارات مستقیماً از طرف دولت انجام می شود. بخش مالی غیر بانکی نیز تحت سلطه شرکتهای دولتی قرار دارد و بازارهای سرمایه به طور کامل توسعه نیافته اند."

نمودار زیر روند تغییرات آزادی مالی در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد که از سال ۲۰۰۰ تا کنون هیچ تغییری نداشته است که نشانگر عدم توجه و برنامه ریزی مسئولین در این زمینه است.



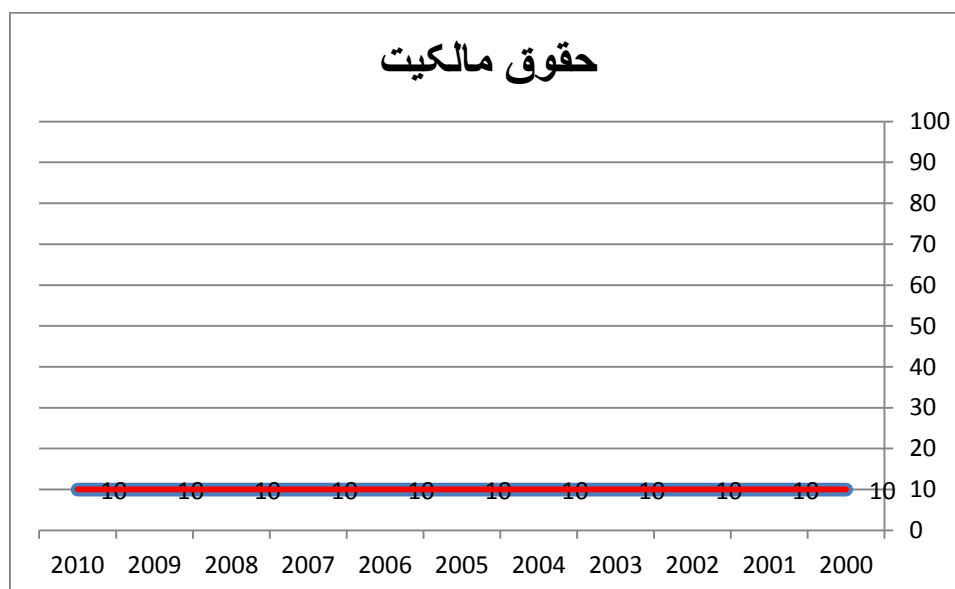
### حقوق مالکیت

امتیاز ایران در این شاخص ۱۰ است که فاصله زیاد آن با میانگین جهانی ۴۳/۸ یکی دیگر از نقاط ضعف عمده ایران را آشکار می سازد.

گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد :

"قانون اساسی دولت را مجاز کرده است تا اموال و دارایی‌هایی قاچاق، غیر قانونی و یا مغایر با احکام اسلام را مصادره نماید. مراجعه به دادگاه اغلب بی نتیجه است و برای اطمینان از اجرای قراردادهای، یافتن یک شریک یا همکار محلی با نفوذ و برخوردار از حمایت سیاسی راه موثرتری است. برای حمایت از مالکیت فکری، قوانین اندکی موجود است، کپی برداری غیرمجاز از نرم افزارهای کامپیوتری بسیار رایج است و نقض طراحی‌های صنعتی، نشان‌های تجاری و کپی رایت به گستردگی صورت می‌گیرد."

نمودار زیر روند تغییرات آزادی مالی در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۰ تا کنون هیچ تغییری نداشته است که نشانگر عدم توجه و برنامه ریزی مسئولین در این زمینه است.



### رهایی از فساد

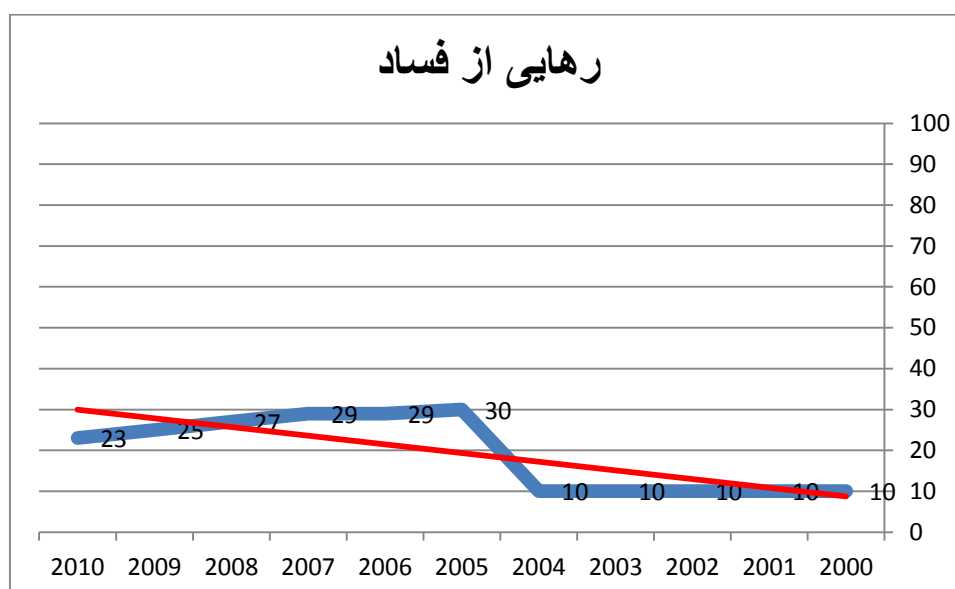
امتیاز ۲۳ برای ایران و فاصله آن با میانگین جهانی ۴۰/۵ حکایت از شیوع فساد و رانت خواری در اقتصاد کشور دارد گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می‌نویسد :

"وجود فساد، فراگیر به نظر می‌رسد. ایران در گزارش شاخص جهانی فساد موسسه شفافیت بین المللی در سال ۲۰۰۸ در میان ۱۷۹ کشور رتبه ۱۴۱ را به خود اختصاص داده است که



نسبت به سال ۲۰۰۷ بدتر شده است. قانون برای فساد اداری جرائم قضایی تعیین کرده است، اما این قوانین به طور موثر اجرا نمی شود و فساد اداری در هر سه قوه یافت می شود. اختلاس شایع است و سازمان بازرسی برای نظارت بر ۲/۳ میلیون کارمند تمام وقت کشوری و پیمانکاران پرشمار دولتی که بخش اعظم اقتصاد ایران را تحت کنترل دارند، کمتر از ۱۰۰۰ بازرس دارد."

نمودار زیر روند تغییرات شاخص رهایی از فساد در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد که علیرغم رشد جهشی ۲۰ واحدی در سال ۲۰۰۵، پایداری نداشته و با طی روند نزولی در سال ۲۰۱۰ به امتیاز ۲۳ رسیده است.



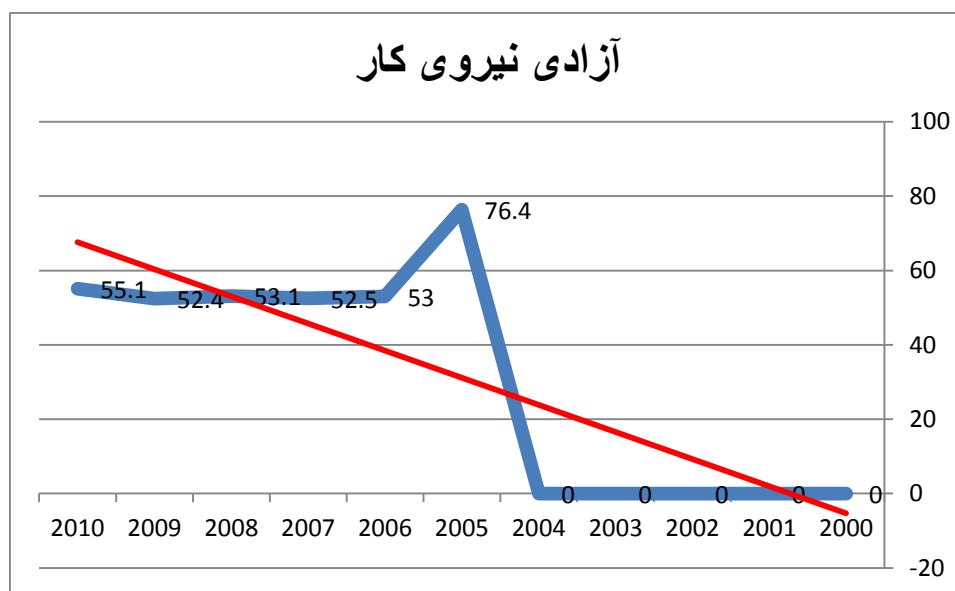
### آزادی نیروی کار

سرانجام امتیاز آزادی نیروی کار در ایران با امتیاز ۵۵/۱ با مانگین جهانی ۶۲/۱ فاصله چندان زیادی ندارد و وضعیت کشور در این زمینه نسبتاً بهتر است.

گزارش شاخص جهانی آزادی اقتصادی در این باره چنین می نویسد :

"مقررات کار محدود کننده است. هزینه های به غیر از حقوق برای استخدام یک نیروی کار بالاست و اخراج یک نیروی کار مستلزم تایید شوراهای اسلامی یا هیات تعزیر نیروی کار است."

نمودار زیر روند تغییرات شاخص آزادی نیروی کار در ایران را طی ۱۰ سال اخیر نشان می دهد که اطلاعات آن از سال ۲۰۰۵ به بعد ارائه شده و در سال ۲۰۰۶ با یک افت حدود ۲۰ واحدی از ۷۶ به ۵۳ رسیده است و پس از آن در همان حدود باقی مانده است.



با بررسی بیشتر می توان گفت که تمامی این شاخصهای دهگانه بر فضای کسب و کار تاثیر کلیدی دارند و ضعف در هر یک از آنها به تخریب فضای کسب و کار کشور می انجامد.

## فصل چهارم

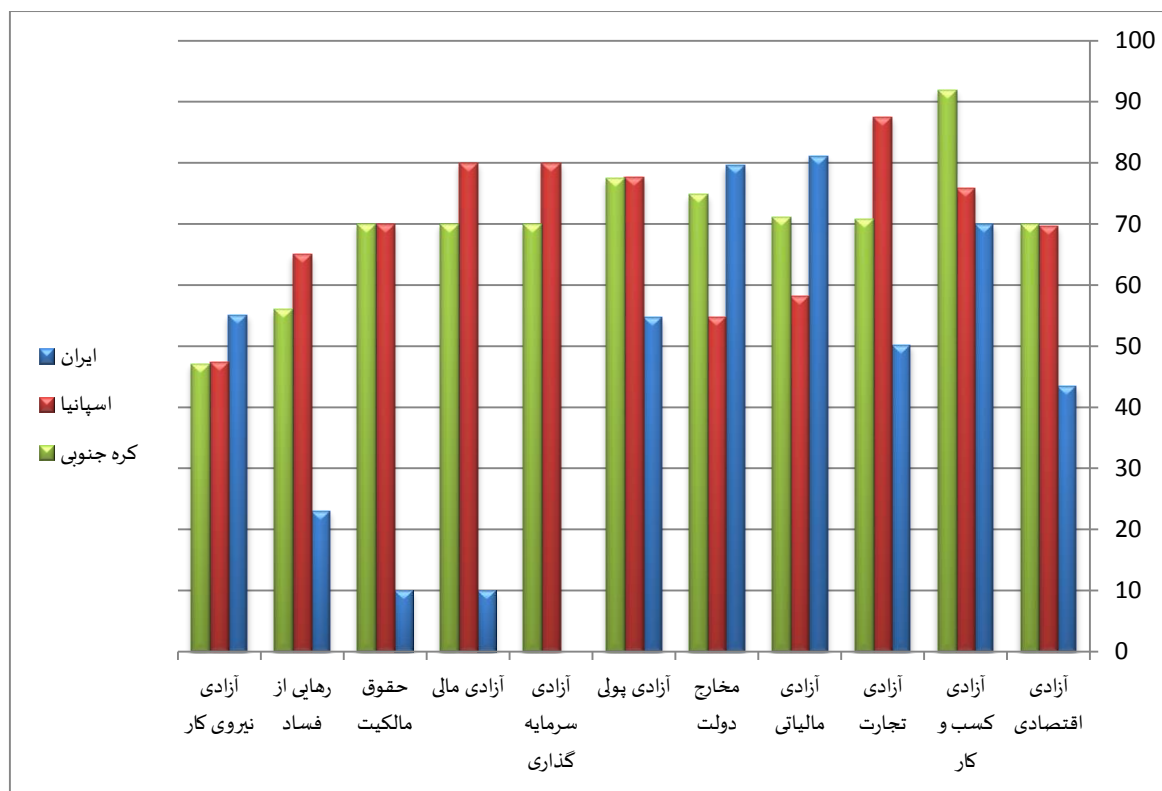
### مقایسه تطبیقی آزادی اقتصادی در سه کشور ایران، اسپانیا و کره جنوبی

در این فصل میان اطلاعات مربوط به شاخص آزادی اقتصادی و آزادی های ۱۰ گانه مربوط به ایران، با دو کشور دیگر مقایسه تطبیقی انجام می دهیم. دو کشور منتخب برای مقایسه تطبیقی عبارتند از اسپانیا و کره جنوبی. دلیل انتخاب این دو کشور این است که اولاً اسپانیا با رتبه جهانی ۳۶ جزء کشورهای توسعه یافته و پیشرو محسوب می شود. ثانیاً کره جنوبی نیز با رتبه جهانی ۳۱ از کشورهای پیشرو آسیای جنوب شرقی است که توانسته در مدت کوتاهی در مسیر توسعه گامهای بلندی بردارد. همچنین نزدیک بودن رتبه این دو کشور به هم مقایسه را ساده تر می سازد. قطعاً نتایج حاصل از این مقایسه نقاط ضعف و قوت ایران را برای ایجاد محیط انگیزشی کسب و کار بیشتر آشکار می سازد.

جدول زیر رتبه جهانی، امتیاز شاخص آزادی اقتصادی و آزادی های دهگانه را برای سه کشور ایران، اسپانیا و کره جنوبی در سال ۲۰۱۰ نشان می دهد.

رتبه جهانی	آزادی اقتصادی	آزادی کسب و کار	آزادی تجارت	آزادی مالیات	مخارج دولتی	آزادی پول	آزادی سرمایه گذاری	آزادی مالکیت	حقوق رها	آزادی نیروی کار	ایران
168	43.4	69.9	50.2	81.1	79.6	54.7	-	10	10	23	55.1
36	69.6	75.8	87.5	58.1	54.8	77.7	80	80	80	65	47.3
31	69.9	91.9	70.8	71.1	74.9	77.4	70	70	70	56	47.1

همچنین نمودار زیر مقایسه میان وضعیت شاخصهای گوناگون در سه کشور در سال ۲۰۱۰ را تسهیل می کند.



چنانچه ملاحظه می شود، بیشترین ضعف ایران نسبت به این دو کشور مربوط به چهار شاخص آزادی سرمایه گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت و رهایی از فساد می باشد.

در ابتدا به بررسی وضعیت اسپانیا از نظر این چهار شاخص می پردازیم.

در کل در اسپانیا اعمال قانون برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی یکسان است. در بیشتر بخش ها سرمایه گذاری خارجی تا ۱۰۰ درصد سهام مجاز است. دستورالعملهای بوروکراتیک کاهش یافته و تشریفات زائد حذف شده اند. هیچ محدودیت یا کنترلی روی مبادلات حسابهای خارجی، انتقال سرمایه، یا بازگشت سود به داخل کشور وجود ندارد.

بخش مالی اسپانیا به خوبی توسعه یافته و ابزارهای مالی گسترده ای را در اختیار کارآفرینان قرار می دهد. سیستم تنظیمی شفاف و با عرف بین المللی سازگار است. تمامی بانک های تجاری متعلق به بخش خصوصی بوده و تخصیص سرمایه بر اساس بازار انجام می شود. دولت برای برخی فعالیتها تسهیلات یارانه ای ارائه می دهد. بخش مالی غیربانکی کوچک

است. بازارهای سرمایه توسعه یافته اند و به روی سرمایه گذاران خارجی باز هستند.

دستگاه قضایی اسپانیا عملاً مستقل است، اما موانع بوروکراتیک در آن قابل ملاحظه است. قراردادهای ضمانت بالایی برخوردار هستند، اگرچه اجرای آنها به آهستگی صورت می گیرد. قوانین ثبت اختراع، کپی رایت، و نام های تجاری در حد اتحادیه اروپا یا بالاتر از آن هستند.

فساد در اسپانیا در حداقل قرار دارد. اسپانیا در شاخص CPI موسسه شفافیت بین المللی در سال ۲۰۰۸ از میان ۱۶۳ کشور رتبه ۲۸ را به خود اختصاص داد که قابل توجه است. دریافت و دادن رشوه جرم است و رشوه برای شرکتها یا افراد از طریق مالیات قابل کسر نیست.

وضعیت کشور کره جنوبی نیز در مورد این چهار شاخص بدین شرح است.

فضای سرمایه گذاری در کشور کره جنوبی به طرز فزاینده ای باز است، اما محدودیت هایی برای سرمایه گذاری در رسانه، برق، روزنامه، ماهیگیری، تولید انرژی، حمل و نقل هوایی، بخش های معنی از کشاورزی و برخی قسمتهای دیگر وجود دارد. برای سرمایه گذاری در بخشهای محدود شده باید از وزارت مربوطه مجوز اخذ گردد. مقررات سخت و مبهم، قوانین کار انعطاف ناپذیر، و تاثیر اقتصادی گروه های بزرگ سرمایه گذاری را مشکل می سازد. افراد ساکن و غیر ساکن در کره می توانند حساب ارزی خارجی داشته باشند. پرداختها، انتقالها و بازگشت سود تحت الزامات گزارش دهی یا محدودیتهای حجمی برای دوره های معینی هستند. افراد و شرکتهای خارجی در خرید و استفاده از زمین با همتایان کره ای خود یکسان هستند.

بخش مالی نوین کره جنوبی بیشتر باز و رقابتی شده که زمینه لازم برای اصلاحات مثبت در سایر بخش ها را نیز فراهم آورده است. اصلاحات بر افزایش شفافیت و کارایی تمرکز دارند. از اواخر دهه ۹۰ دولت در سرمایه گذاری مجدد در بانکها و موسسات مالی موفق بوده است. موسسات ضعیف تعطیل یا ادغام شده اند و وامهای ناکارآمد تا حد قابل توجهی کاهش یافته اند. اگرچه مالکیت خارجی بانکهای تجاری ممنوع است، اما بانکهای خارجی در آنها مالک

اکثریت سهام هستند. دولت سهام خود در بانکهای خصوصی را واگذار، اما برخی موقعیتهای مالکیت را حفظ کرده است. بازارهای سرمایه کامل و توسعه یافته هستند. قانون تجمیع مقررات بانکی که حدود یک سوم از ۳۰۰ مقررات مالی را حذف نمود از ابتدای سال ۲۰۰۹ به اجرا درآمد.

مالکیت خصوصی تضمین شده است و مصادره اموال بسیار نامحتمل است، اما سیستم قضایی تا حدودی ناکارآمد و کند است. لازم است محافظت از حقوق مالکیت فکری ارتقا یابد، چراکه موارد نقض کپی رایت قابل توجه است.

وجود فساد در کره جنوبی محسوس است. شاخص CPI موسسه شفافیت بین المللی در سال ۲۰۰۸ از میان ۱۷۹ کشور، برای کره جنوبی ۴۰ است. فساد از طریق قانون گذاری غیر شفاف، ساختارهای اجتماعی، سیاسی و کسب و کار و نظارت ناکافی بر نهادها ایجاد می شود.

## فصل پنجم

### جمع بندی و توصیه های سیاستی

شاخص ها نشان می دهند که نگران کننده ترین ضعف ایران از نظر آزادی اقتصادی، به آزادی سرمایه گذاری مربوط می شود. روند نزولی این شاخص و رسیدن آن به صفر در سال ۲۰۱۰ شاهدهی بر این مدعاست. پس از سرمایه گذاری سه شاخص آزادی مالی، حقوق مالکیت و رهایی از فساد از اولویتهایی هستند که باید در سیاستگذاری ها به آنها توجه شود.

البته واضح است که این شاخصها هر یک بر دیگری اثر دارند و این نکته مهمی را به سیاستگذاران گوشزد می کند. با نگاهی بر وضعیت سایر کشورها عموماً مشاهده می شود که وضعیت شاخصهای آزادی های دهگانه از یک تعادل و همگنی برخوردار هستند. در حالت عادی معمولاً مشاهده نمی شود که یک کشور در چند شاخص امتیاز بسیار بالایی را بگیرد و در چند شاخص دیگر امتیاز بسیار پایینی کسب کند. وجود موارد استثنای هم دلایل مربوط به خود را دارد. مثلاً در بخش توضیح متدولوژی تعیین شاخص مخارج دولت توضیح داده شد که امتیاز بالا در این شاخص لزوماً به معنای کارایی دولت نیست و ممکن است بسیاری از دولتهای ناکارآمد هم امتیازات بالایی را کسب کنند که اثر آن در دیگر شاخص ها خنثی خواهد شد.

این نکته روشن می سازد که برای دست یافتن به آزادی اقتصادی به عنوان زمینه رشد و شکوفایی اقتصاد و کسب و کار و حرکت به سمت توسعه، توجه و تمرکز بر یک یا چند شاخص و غفلت از دیگر شاخص ها انتخاب مناسبی نیست. آیا می توان تصور کرد که در کشوری آزادی سرمایه گذاری در حد بالا باشد، اما رهایی از فساد و حقوق مالکیت در حد پایین باشند؟ بنابراین برای رسیدن به آزادی اقتصادی باید همزمان تمام ابعاد آن در سیاستگذاری ها مورد توجه قرار گیرد و صد البته هر کشور به تناسب نقاط ضعف و قوت خود منابع را در بخش های مختلف توزیع نماید.

از آنجا که کشور ما چه از نظر منابع طبیعی و چه از نظر استعداد های انسانی بسیار غنی است و فرصتهای بیشماری برای کار و فعالیت و تولید در آن وجود دارد، در صورت

افزایش آزادی اقتصادی (البته قبلا هم اشاره شد که آزادی اقتصادی به معنای هرج و مرج و لجام گسیختگی نیست) سرمایه های فراوانی از سراسر دنیا به کشور وارد خواهد شد و زمینه حرکت در مسیر توسعه را فراهم خواهد ساخت.

آزاد سازی و مقررات زدایی، شفاف سازی مقررات و دستورالعملها، مبارزه فراگیر با فساد، فراهم سازی زمینه ورود بخش خصوصی به تمامی عرصه ها از جمله تفکر و برنامه ریزی، فراهم ساختن زمینه شناسایی کارآفرینان واقعی و تامین مالی پروژه های آنها و تقویت و افزایش کارایی سیستم قضایی از دیگری مواردی است که تحقق آنها می تواند به افزایش آزادی اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار در کشور کمک فراوانی نماید.

منابع :

- Index of Economic Freedom 2000-2010, Heritage Fundation
- [www.heritage.org](http://www.heritage.org)